

زنان پلیس در رسانه‌ها افسانه در برابر واقعیت

نویسنده: لین مارتین*
مترجم: مهدی مقیمی**

رسانه‌ها، پلیس و زنان، سه واژه کوچک اما آکنده از بار مفهومی و پیچیدگی در حوزه معنایی می‌باشند. من بر روش‌هایی تمرکز می‌کنم که از طریق آنها زنان پلیس در دو شکل عمده رسانه‌ای یعنی در اخبار عمومی رسانه‌ها و در درام‌های تلویزیون و سینمایی بازنمایی و تصویر می‌شوند.

من هم‌چنین به این بحث می‌پردازم که زنان چگونه به طور کلی در رسانه‌ها بازگویی می‌شوند و تصور افراد جامعه از زنان پلیس و رابطه پیچیده بین بازنمایی واقعیت و توهم چیست؟ بازنمایی با ترسیم تصویر بسیار ضعیف از زنان پلیس در اخبار و گزارش‌های عمومی و تصورات قالبی درباره آنها، در نمایش‌های تلویزیونی به عنوان مسائل تجسم شده خود را ظاهر می‌سازند. اکثر شما تجارب، عقاید و ایده‌های خاص مخصوص به خود در باره رسانه‌ها دارید و فاصله مبهم و تاریک بین افسانه و واقعیت و مشکلات ایجاد تصویری برضد پشت پرده و نهانخانه فرهنگ سنتی مردانه‌ای که هم در سازمان‌های رسانه‌ای و هم در سازمان‌های انتظامی وجود دارد را شناخته و تصدیق می‌کنید.

تصورات قالبی، استانداردهای دوگانه، رفتار جنسی و دیدگاه‌های تحقیرآمیز مشکلاتی

* Leanne Martin

** عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

هستند که زنان پلیس با آنها مواجه‌اند و در رسانه‌های ما ترسیم و بازنمایی می‌شوند. اما زمان در حال تغییر است و همزمان که شرایط بهتر می‌شود و به برابری شغلی نائل می‌شویم، تصور و تصویر رسانه‌ای ما هم بهبود می‌یابد.

رسانه‌های عمومی یک دستورالعمل قوی را برای افکار عمومی ترسیم و تدوین می‌کنند. مهم است بدانیم رسانه‌ها موضوعات، عناوین و نقطه‌نظرات را دست‌چین می‌کنند. نیرویی هم وجود دارد که عقاید را منعکس و آنها را شکل می‌دهد. البته مرز بین این دو عملیات، مبهم و تار بوده و درجه‌ای که رسانه‌ها جامعه را تا آن حد تغییر یا بازنمایی می‌کنند خود جای بحث دارد. رسانه‌های چاپی، رادیو و اخبار تلویزیونی تأثیر عمیق و آشکاری بر دیدگاه اجتماع نسبت به پلیس، زنان و زنان پلیس دارند.

مسئله نه خیلی روشن اما، مهم است. تأثیری که درام‌های تلویزیونی و افکار عمومی دارند. بین گزارش‌دهی از زندگی واقعی و تصورات خیالی رابطه و تعامل قوی وجود دارد و هر دو همدیگر را تقویت می‌کنند. هم‌زمان که رسانه‌ها به قلمرو خلاقیت پا می‌گذارند، بازنمایی‌های غیرواقعی به طور مستقیم تصورات واقعی اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به طور غیرقابل باوری مخاطبان زیادی آنچه را که در نمایش‌های تلویزیونی پلیسی مشاهده می‌کنند، به‌خصوص زمانی که توسط بازیگران مشهور و با کمک تصاویر واقعی از زندگی در قالب اشکال و پایه‌های واحد، نمایش داده می‌شوند، را باور می‌کنند. در استرالیا فیلم‌های پاشنه آبی‌ها، پلیس نجات، موش‌های آبی، GP، خانه و بیرون از آن، ققنوس و ژانوس، مثال‌های خوبی از این گونه‌اند. هم‌چنین لازم است تأثیر نمایش‌های تلویزیونی در کشورهای آن سوی اقیانوس را هم بررسی کنیم.

تصاویر و برنامه‌های تلویزیونی به روشی زیرکانه، تلویحی و از طریق تقویت و شکل بخشی به دیدگاه‌های افراد درباره زنان و مردان ساخته می‌شوند. در این راستا فقط یک نوع روش تحقیق‌سازی تصویری یا شخصیتی وجود ندارد که افکار عمومی را دچار تلاطم کند بلکه تأثیر مجموعه‌ای از تصورات کلیشه‌ای منفی و از قدیمی که در طول زمان اختلاف ایجاد می‌کند، نیز وجود دارد.

تکرار تصاویر ثابت در نهایت آنها را به صورت تصاویر واقعی جلوه می‌دهد. بنابراین اگر ما این دیدگاه را بپذیریم که بخش زیادی از عقاید جامعه از طریق رسانه‌ها شکل‌دهی می‌شوند، در این حالت این سؤال پیش می‌آید که تصور عمومی از زنان پلیس چیست؟ به طور کلی یک تصویر مثبت از پلیس زن وجود دارد. این تصویر در تشکیل تصویر مردم از پلیس به خصوص در فضای کنونی نقش مهمی دارد.

تبلیغاتی که به (منطقه) NSW در سالروز هشتادمین سال ورود زنان به نیروی پلیس در سال گذشته رسید فقط تبلیغات مثبت بود و این زمانی بود که افشاسازی‌های تکان‌دهنده کمیسیون سلطنتی در معرض عموم قرار گرفت. به طور کلی برخلاف بعضی از دانشکده‌های مردانه ما، گزارش‌های مربوط به زنان پلیس خوب هستند.

مشکل، فقدان حضور زنان پلیس در اخبار عمومی است. در پوشش رسانه‌ای به طور قابل ملاحظه‌ای ترسیم زنان پلیس در درام‌های تلویزیونی با زندگی واقعی آنها فاصله زیادی دارد. تأیید شده است که به طور کلی زنان در تلویزیون و روزنامه‌های استرالیایی از بازنمایی عادلانه‌ای برخوردار نبوده و زمانی هم که از آنان تصویرسازی صورت می‌گیرد، این بازنمایی منفی است.

این بازنمایی پایین در مورد زنان پلیس صدق می‌کند اما به عقیده من در مقایسه با اکثر تصویرسازی‌ها از زنان با توجه به تصویرسازی مثبت، در یک موقعیت سالم‌تر بوده و در موقعیتی قرار دارد که اقتدار و قدرت را در جامعه حفظ می‌کند.

در تاریخ ۱۹۹۵/۱/۱۸ یک پروژه نمایش رسانه‌ای جهانی که در کانادا هماهنگ‌سازی شده بود، به تحلیل مشارکت زنان در اخبار رسانه‌ها در ۱۸ کشور پرداخت.

این پروژه نتیجه گرفت که زنان در ۳۵ سالگی به عمر مفید می‌رسند. مردان ۳۵ ساله به بالا ۱۰ بار نسبت به زنان احتمال بیشتری دارد که مورد مصاحبه قرار گیرند. به همان سال اگر شما بین ۱۸-۳۴ در یک موقعیت مؤثر باشید احتمال اینکه به عنوان یک مرد جوان در همان موقعیت مورد مصاحبه قرار گیرید، نصف است. تنها بخش خبری که در آن زنان بیش از مردان بازنمایی می‌شوند، بخشی است که زنان نقش قربانی را ایفا می‌کنند.

یکی از نتایج پروژه نشان می‌دهد که ۹۴ درصد از مصاحبه‌شوندگان پلیس مرد و ۶ درصد از آنان زن بودند. تحلیل من با این درصدها تطابق دارد. زنان پلیس منطقه نیوساوت ولز (NSW)، بیش از ۱۴ درصد جمعیت زنان را تشکیل می‌دهد، بنابراین در گزارش‌های رسانه‌ای بازنمایی پایینی از آنها صورت می‌گیرد.

زمانی که زنان پلیس در یک پوشش رسانه‌ای مثبت یا منفی ظاهر می‌شوند که به نوبه خود بر بیشترین گزارش مربوط به پلیس یعنی فساد، آشفتگی، مناقشه داخلی و... تمرکز می‌کند، تصور معمولی این است که زنان پلیس اخلاقی‌تر و صادقانه‌تر هستند. این نتیجه‌گیری زمانی بیشتر بازنمایی می‌شوند که زنان پلیس با غیبت خود در یافته‌های وارونه در کمیسیون سلطنتی و I.C.A.C بیشتر تقویت می‌شود (یک بحث مبنی بر این وجود دارد که چرا چنین چیزی طبیعی بوده و از فرهنگ مردانه و وضعیت اجتماعی مجزاست).

بنابراین زمانی که گزارشی مانند گزارش «وندی هاتفیلد» در رسانه‌ها به جریان بیفتد، رسانه‌ها هیجانی می‌شوند. این گزارش یک دروغ رسانه‌ای بود زمانی که «وندی هاتفیلد» لازم بود نقش یک شیر زن را بازی کند که تضاد ایفای نقش بین حقیقت و افسانه را داشت.

داستان وندی هاتفیلد مثال خوبی است که چگونه یک زن پلیس توسط رسانه‌ها به عنوان یک فرد صادق نشان داده می‌شود و آینده درخشانی از امور انتظامی و پلیسی بعد از ظهور او در کمیسیون سلطنتی پلیس ایالت نیوساوت ولز برای ارائه مدارک به عنوان یک افسر پلیس نیروی صلیب پادشاهی، توسط رسانه‌ها ترسیم می‌شود (جالب است خاطر نشان شود این در حالی است که ۴ پلیس مرد هم با ارائه همان مدارک و شهادت صادقانه عناوین و پوشش تصویری را نتوانستند فراهم کنند). این که او یک زن جوان و زیبا بود، به قضیه کمک کرد. خیلی زود بعد از این پخش تلویزیونی مشخص شد که او یک ارتباط شخصی با یک سوداگر مواد مخدر داشته است. در نهایت وندی هاتفیلد توسط رسانه‌ها به صلیب کشیده شد چرا که جزئیات رابطه مذکور را به دقت افشا کردند و صرف نظر از اینکه او کار درست یا غلطی انجام داده بود، باید گفت که اگر یک مرد جای او بود دچار چنان سقوط گنج‌کننده‌ای نمی‌شد.

معتقدم که خطر در این مسئله وجود دارد که زنان به عنوان یک گروه متجانس، بدون سابقه

بد و شیر زن تلقی شوند و در صورت اشتباه، رسانه‌ها به سختی ما را سرزنش می‌کنند. ما باید در مورد ارائه یک تصویر حقیقی مراقب باشیم. هر چه زنان با نقش پیچیده پلیس و انتظامی درهم آمیزند، به عنوان افرادی مطرح می‌شوند که دچار اشتباهاتی می‌گردند.

باید برای پذیرش اشتباهات به همراه انتقاد واقع‌گرایانه آماده باشیم. معتقدم که باید به عنوان انسان‌های متفاوت و چند چهره، آن‌چنان که هستیم بازنمایی شویم.

در دیدگاه سنتی به زنان پلیس به عنوان اولین‌ها هر چیز، اولین‌های در تعقیب زنان دیگر، اولین در مذاکره، اولین پلیس سوارکار کانادایی، اولین کادر پرواز، اولین گشت بزرگرایی تمرکز شده است. اکنون زنان در هر بخش از نیروی پلیس بازنمایی شده‌اند و جای تعجب دارد که رسانه‌ها راه جدیدی را برای بازنمایی پلیس زن بیابند یا شاید با آنها به طور مساوی رفتار کنند. اما این جای تردید دارد.

از آنجا که رسانه‌ها دارای قدرت نفوذ و تأثیرگذاری زیادی هستند، مهم است که از هر فرصتی برای کمک به تصویری که آنها از ما به عنوان پلیس زن ارائه می‌دهند، استفاده کنیم. دستیابی به گزارش‌های مثبت مربوط به نحوه انجام وظیفه پلیس بسیار سخت است. افزایش مجلات و نشریات مربوط به زنان در میان مطبوعات محبوب یک قلمرو انحصاری بالقوه برای ترسیم چهره مثبت از زنان پلیس است.

در حالی که پیشنهاد نمی‌شود که لزوماً در جستجوی تبلیغات باشید با این حال شما را تشویق می‌کنیم که از هر فرصت رسانه‌ای که ممکن است بتواند نیروی پلیس زن را نمایش دهد به نفع خود بهره گرفته و حرفه‌ای‌گری خود را ثابت کنید و در نهایت مقدار، کیفیت و دامنه بازنمایی از خود توسط آنها را ارتقا دهید. به عنوان یک هماهنگ‌کننده پروژه‌ای در طرح موسوم به بازاریابی و شاخه رسانه‌ای برای اداره پلیس منطقه نیوساوت ولز، بخشی از نقش من برقراری ارتباط و تسهیل درخواست‌ها از طرف صنعت فیلم، تلویزیون و پخش آگهی است. من حجم زیادی از متونی را که مربوط به پلیس بوده و فرصت خوبی را برای تأثیرگذاری بر تصویری که از پلیس در این رسانه‌ها وجود دارد خواندم و دریافتم که موقعیت خوبی برای بحث در مورد این مسئله دارم تا نشان دهم، زنان پلیس در رسانه‌ها چگونه بازنمایی می‌شوند.

افزایش آگاهی در مورد این صنعت چشم و گوش را باز می‌کند. این صنعت، دامنه بی‌توجهی نسبت به نقش و ارائه تصورات قالبی در بازنمایی پلیس زن در رسانه‌ها وجود دارد را به خوبی نشان می‌دهد. مسئله محرمانه بودن هم با توجه به تصویری که از خود به حوزه بازنمایی‌های غیرواقعی امانت می‌دهیم، مهم است. در فرایند اعمال نقش ما در صنعت فیلم و تلویزیون، با اصول راهنمایی مواجه می‌شویم که حاوی تصویر مثبتی از نقش پلیس هستند.

این اصول از طریق یک فرایند مرور متون ظاهر می‌شوند و من به عنوان یک افسر پلیس زن اعلام می‌کنم که فرصت‌های زیادی برای پیشرفت و برجسته شدن پلیس زن وجود دارد. به طور طبیعی ما کنترل سردبیری بر رسانه‌ها نداریم و پیشنهادات مربوط به ترسیم چهره پلیس در رسانه‌ها همیشه آماده بحث و تجزیه و تحلیل‌اند. زمانی که ما درخواستی را از یک شرکت تولید برای همکاری در قالب مشاوره، واسطه، پیشنهاد و لباس فرم دریافت می‌کنیم همیشه فضایی برای مصالحه وجود دارد. ما خواهان اعتباریابی کامل نیستیم. معمولاً هم به دلیل دور بودن شرکت‌های رسانه‌ای از بعضی فرایندهای خلاقانه در تولید یک برنامه تلویزیونی این امر غیرممکن است و این منجر به تولید یک تصویر خسته‌کننده می‌شود.

بعضی از تولیدات رسانه‌ای در حال حاضر واقعی و قابل درک هستند. چرا که یک تصویر خوب را می‌توان در فرایند رسانه‌ها از پلیس زن مشاهده کرد بدون این که به تصورات قالبی، وارونه‌سازی یا جایگزینی نقشی که انکار جنسیت‌گرایی از طریق جایگزینی نقش مرد یا نقش زن است تمسک کرد. استفاده از زنان در نقش پلیس اغلب همیشه برای فیلم‌نامه‌نویسان، تهیه‌کننده‌ها یا محققان تا زمانی که به آنها پیشنهاد نشود، به عنوان یک ایده ظاهر نمی‌شود. اغلب آنهايي که چنین ایده‌های جدیدی را با اشتیاق زیاد و از یک نقطه رو به جلو دریافت می‌کنند، از به کارگیری زنان پلیس در گزارش‌هایشان خوشحال خواهند شد. شبکه GP اخیراً از زنان در فیلم تیم عملیات‌های گروه حفاظت دولتی که در زندگی واقعی نمونه آن وجود ندارد، کمک گرفته است. در برنامه «خانه و دور از آن» آنها نقش مرد خود را با یک افسر ارشد پلیس زن عوض کردند چرا که آن نقش بسیار خسته‌کننده شده بود.

به طور طبیعی پلیس خود بزرگترین منتقد تصویری است که از پلیس در رسانه‌های استرالیا

نشان داده می‌شود. در اینجا یک معضل وجود دارد و آن مشکل صدور مجوز به محققان و فیلم‌نامه‌نویسان برای دسترسی کافی به اطلاعات و ارائه اطلاعات لازم برای نمایش یک روایت معتبر بدون کنار آمدن با محرمانه بودن روند و ماهیت یک مسئله حساس است. برخلاف این ادعا که تولیدات شبکه ABC با عنوان «ققتوس و ژانوس» که از طرف پلیس به دلیل واقعی‌گرایی مورد استقبال قرار گرفته، در مورد برنامه «پلیس ویکتوریا» نگرانی‌های زیادی ایجاد کرده و در آن امکان دسترسی بیشتری به محققان داده شده و از عملکرد و روند زندگی واقعی فاصله زیادی گرفته شده است.

از نظر مفهومی یک تصور قالبی عاری از هرگونه زیرکی و پیچیدگی است. به نظر من فرایند استفاده از تصورات قالبی سعی دارد تعصبات را تقویت کرده و بر شأن و کرامت و تنوع موجود میان افراد تجاوز و توهین می‌کنند. بیشتر زنان تصورات قالبی را دارای بار تحقیرآمیز می‌دانند. آنها خواهان انتخاب در زندگی خود بوده و آمادگی پذیرش همخوانی با هیچ نوع کلیشه‌ای را ندارند. در حالی که به نظر می‌رسد پیشرفت‌هایی در سال‌های اخیر در این حوزه صورت گرفته، هنوز راهی برای برون‌رفت هست. به نظر می‌رسد که این پژوهش به آسانی برای زنان پلیس قابل کاربرد است. ما مجبوریم که با دو مسئله جنس و تصورات قالبی در مورد شغل به مشاجره پردازیم.

به طور یقین تصورات قالبی پیچیده‌ای درباره جنسیت در برنامه‌های تلویزیونی زنده، مداوم و ثابت هستند. این‌ها معمولی‌ترین روش‌های تصویرسازی زنان در حالت عمومی‌اند و ممکن است برای زنان پلیس هم تعمیم یابند.

۱. عاطفی بودن زنان در تلویزیون: زنان در تلویزیون بیشتر از مردان عاطفی‌اند. این یکی از استعاره‌های بازنمایی عاطفه است که در آن خشونت و پرخاشگری به عنوان نمایش عاطفه مورد بحث قرار نمی‌گیرد. اغلب زنان در وضعیت آشفتگی و بحران، عاطفی، ترسو، هیجانی، وابسته به کمک و حمایت مردان در وضعیت‌های شغلی و فردی، عصبی و بداخلاق نشان داده می‌شوند.

«لیزا مک کوین» در فیلم پاشنه آبی‌ها، اغلب به عنوان یک فرد منعطف نشان داده می‌شود که

با درست کردن چای موجبات آسایش قربانیان را فراهم می‌سازد. این یک دام است که به آسانی در آن می‌افتیم. رشته من تولید تصاویر و ویدئوهای آموزشی پوسترها و برنامه‌سازی تجاری برای تلویزیون است. در حالی که ما درباره توازن جنسی محتاط هستیم ولی هنوز تمایلی برای جایگزینی و استقرار زنان در نقش‌های دلسوزانه وجود دارد، چه این کار یک تصور قالبی باشد یا صرفاً انعکاسی از زندگی واقعی باشد که برای پذیرش عقاید باز آمادگی دارد (در همان حال ما نمی‌خواهیم که تفاوت جنسی را هم حذف کنیم).

۲. بازنمایی جنسی زنان در تلویزیون: زنان در تلویزیون تقریباً همیشه صرف نظر از نقش‌شان، از نظر جنسی و بدنی جذاب نشان داده می‌شوند. در این راستا تأکید زیادی بر دیدگاه زنان به مردان قرار دارد. تمایل برای شخصیت‌سازی از زنان پلیس، افتخارآمیز و زیبا خواهد بود اگر که آنان نقش مهمی را بازی کنند اما اگر یک بخش بسیار کوچکی از قضیه باشد بخش بیشتر قضیه شلخته، چاق، زشت و خشن نشان دادن زنان است. تأکید بر جوانی زنان و موجودات تزئینی به جای نشان دادن آنان به عنوان موجوداتی باهوش، بلندهمت و مستقل، مسئله اصلی بازنمایی است.

یک پیشرفت جالب در حوزه تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی در نمایش‌های رسانه‌ای، یک روش جالب برای حل تنش‌های جنسی حل نشده موجود بین زن و شوهرها است. این کار تعلیق مخاطب را به همراه دارد. پلیس زن ثابت کرده که برای تحقق این هدف، کاملاً در دسترس بوده و روز به روز این دسترسی معمولی‌تر می‌شود.

۳. قدرت و توانایی‌های زنان در تلویزیون: در موقعیت‌های کم‌دی زنان و مردان به طور برابر تصویر می‌شوند (برای مثال در فیلم خط آبی باریک). در فیلم‌های جنایی مردان بیشتر از زنان مسلط نشان داده می‌شوند حتی اگر زمینه حرفه‌ای به مردان ارتباط چندانی نداشته باشد، توصیه‌ها و دستورات اغلب به مردان ابلاغ می‌شود مگر زمانی که به حوزه فعالیت و موضوعیت سنتی زنان مرتبط باشد.

در نمایش‌های تصویری استرالیا و انگلیس این روند به آرامی در حال تغییر است. فیلم موش‌های آبی یک تصویر از ترکیب جنسی خوب را در دستور کار خود قرار داده است که در

آن یک افسر پلیس زن فرمانده، یک زن تکنسین و یک زن نیز بازپرس ارشد است. فیلم «بیل» نماد یک فیلم با تشابه جنسی است که در آن یک زن رئیس بازپرسان بود. زنان پلیس در همه نقش‌های ممکن در آن بازی می‌کنند.

۴. طبیعت بلندهمتانه و قاطع زنان در نمایش‌های رسانه‌ای: شخصیت زنانی که دارای شغل موفق هستند، ۱۰ بار بیشتر از زنانی است که احتمال دارد در ازدواج و خانه‌داری ناموفق شوند در رسانه‌ها نشان داده می‌شود. به ندرت می‌توان یک پلیس زن متأهل را مشاهده کرد که با بچه‌ها و شوهر خود خوشبخت است. مگر زنانی که همجنس‌باز، مطلقه یا مجرد هستند. حتی شخصیت «هلن مارپن» در فیلم مظنون اصلی که یکی از قوی‌ترین و واقع‌گرایانه‌ترین تصاویر ارائه شده از زنان پلیس است، به طور اجتناب‌ناپذیر موفقیت شغلی‌اش در کنار عذاب زندگی شخصی نشان داده شده است.

یک برنامه تلویزیونی آمریکایی تحت عنوان «کاژنی و لیزی» مسیر جدیدی را در به تصویر کشیدن تلاش یک کارآگاه برای برقراری توازن بین کار و شوهر و فرزندان و مشکلات زندگی‌اش ایجاد کرده است.

تصویرسازی اولیه از زنان پلیس در نمایش‌های تلویزیونی به ریزش برخی موانع برحسب مشاهدات عمومی و توانایی‌های زنان پلیس کمک کرد. فیلم‌هایی همانند «زن پلیس»، «فرشتگان چارلی» و «مغازه پلیس» زنان پلیس و مستقل را به تصویر کشیده‌اند.

سابقاً در دهه ۱۹۷۰ زمانی که این فیلم‌ها ساخته شدند این مسئله تئوری پردازی شد که پدران صنعت فیلم و تلویزیون آمریکا، نیروی فمینیسم را از طریق نقش‌هایی مانند پلیس زن، کارآگاهان یا بازپرسان خصوصی زن تأیید و تصدیق کرده‌اند. در این نقش‌ها به جای به چالش کشیدن قوانین پدرسالارانه، آنها را تقویت می‌کنند و تعدادی از فمینیست‌ها معتقدند زنان در آنها سرکوب می‌شوند. (این احتمال هم وجود دارد که آنها ظرفیت بازار برای چنین شخصیت‌هایی را درک کرده باشند). در بازگشت به گذشته، چنین تصویرسازی از زنان پلیس خود، یک مسئله پیچیده است (برای مثال «انجی دیکنسون» به جای «پیر اندرسون» که هرگز با هیچ زن دیگر کار نمی‌کند و کفش پاشنه بلند و لباس‌های شیک می‌پوشد، «لیندا استونر»

نه به خاطر نقش پلیسی‌اش که در فیلم مغازه پلیس و فرشتگان چارلی فقط تحت دستورات و اصول نامرئی چارلی عمل کرده در ذهن می‌ماند بلکه بیشتر به خاطر آرایشگری‌شان مشهورند تا به خاطر کارشان). اما چه شما تئوری فوق را قبول کنید یا نه، نمایش‌های فوق عمدتاً مسئول ایجاد یک آگاهی عمومی از نقش زنان پلیس و آغاز تصدیق آن توسط صنعتی هستند که در آن زنان پلیس نقشی مهم را هم در جامعه و هم در نمایش‌های تلویزیونی بازی می‌کنند.

اگر که شما در مورد شیوه‌ای که معتقدید زنان به وسیله آن در رسانه‌ها بازنمایی می‌شوند، مشکلی دارید با تهیه‌کننده آن مکاتبه کنید. من در کل معتقدم که آنها از بازخوردها استقبال می‌کنند. درگیری ما با صنعت فیلم و تلویزیون در ایالت نیوساوت ولز براساس این توافق مبتنی است که آنها خواهان حقیقت و واقعیت به منظور ارائه یک تصویر مثبت از پلیس هستند. اغلب تصویر نهایی که آنها ارائه می‌دهند بر غفلت و نادیده انگاشتن مبتنی بوده و همانند محصولات تجاری آنها نمی‌خواهند که هیچ کس را (عمداً) منحرف سازند.

در پایان می‌توان گفت که زنان پلیس در بیشتر اشکال رسانه‌ای خوب بازنمایی می‌شوند. به طور قطع نمایش‌های تلویزیونی که نقش ما را بازنمایی می‌کنند این امر را تعهد کرده‌اند و ما برخلاف بعضی تصورات قالبی که اغلب به نام پروانه نمایش خود را تبرئه می‌کنند به خوبی بازنمایی می‌شویم. در پوشش خبری رسانه‌ها، تصویرسازی از زنان مثبت بوده و زنان پلیس به عنوان موجوداتی صادق و اخلاقی تر ترسیم می‌شوند. سقوط ما معمولاً تحت نظر بازنمایی رسانه‌ها بوده و امتناع ظاهری ما از همکاری هم اگر فرصتی باشد نشان داده می‌شود. به طور عمده می‌توان از طریق دست یافتن زنان به شغل‌های فرماندهی، به این مشکلات فائق شد. کار کردن در یک شغل که از نظر سنتی یک شغل مردانه است، به نظر می‌رسد شرایطی را به وجود می‌آورد که زنان جدی گرفته شوند. مطمئن باشید که پژوهش صنعت بین‌المللی ثابت کرده که اشکال اقتدار زنان در رسانه‌ها به اندازه مردانه تحریک‌کننده و مهیج است. مهارت‌های رسانه‌ای برای پلیس در آینده از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. اگر شما یک فرد مستعد هستید و می‌خواهید و می‌توانید این استعداد را با به کار بردن کلاس‌های آموزش مهارت‌های رسانه‌ای به دست آورید، از شما خواسته می‌شود که سازمان خود را در رسانه‌ها بازنمایی کنید.

در حالی که تصور ما از خود به عنوان پلیس نسبتاً دست نخورده است من فکر نمی‌کنم که همیشه به این شکل باقی بماند و این شما را برای استفاده از هر فرصتی که از طریق آن بتوانید نیمرخ رسانه‌ای تان را ترسیم کند، تشویق نموده و این بازنمایی مثبت و حرفه‌ای از ما در رسانه‌ها را تحکیم می‌بخشد.

منبع:

Paper presented at the avstralian institute of criminology confelence
first avstralasian women police conference, Sydney, 24, 30 & 31 july
1996.